

چکیده

مناجات خوانی در ایران در گذر زمان

ای به یادت هی هی و هی های من



برای مناجات خوانی می‌توان دو معنای عام و خاص قایل شد. در معنای عام هر آنچه با استفاده از موسیقی یا آواز خطاب به معبود است و یا مشعوق خواننده می‌شود، مناجات خوانی محسوب می‌شود. از در دل عاشقانه پیرچنگی مثنوی گرفته تا خواندن آوازهایی با رویکرد عرفانی از شعرا و با مناجات‌های مسجع خواجه عبدالله، در این تقسیم‌بندی

-
-
-

محافظت از موسیقی با استفاده از تعزیه‌خوانی

در ایران پس از ورود اسلام خواندن مناجات به لحن عربی و نیز خواندن اشعار عرفانی و کلام مسجع فارسی، شانه‌به‌شانه هم حضور داشتند. حتی برخی مناجات‌های مسجع و آهنگین خواجه عبدالله انصاری را به نوعی مقابله با نظریه گویی بر ادعیه عربی می‌دانند. از سوی دیگر استفاده از موسیقی برای مناسبت‌های گوناگون مذهبی و دینی را در هنر تعزیه خوانی به شکلی ویژه مشاهده می‌کنیم. نکته قابل ذکر این است که در طول تاریخ و به دلایل اجتماعی، سیاسی و مذهبی محدودیت‌های گوناگونی بر موسیقی تحمیل شد، که در دوره‌ای موسیقی از طریق سنت تعزیه‌خوانی و توسط تعزیه‌خوانان از گزند نابودی و فراموشی در امان ماند. این همنشینی میان موسیقی و مذهب از طرفی موجب تأثیر‌گذاری بیشتر مفاهیم اعتقادی بر مخاطبان خود، با ابزار موسیقی بود و از سوی دیگر موجب حفظ و زنده ماندن بخشی از نغمه‌های موسیقی شد.

-
-
-

اذان‌های ماندگار آواز خوانان ایرانی

درخصوص اذان‌گویی نیز آنگونه که پژوهشگر گرامی آقای هوشنگ سامانی در مقاله‌ای ذکر کرده‌اند: «اذان‌گویی با لحن خاص موسیقی ایرانی و مشخص نوع شهری آن که به موسیقی دستگاهی یا سنتی هم شهرت دارد، در اوایل دوره پهلوی اول توسط جناب دماوندی از خوانندگان طراز اول آن زمان صورت گرفت. نخستین نمونه ضبط شده روی صفحات گرامافون در سال ۱۳۰۸ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)، متعلق به ایشان است. این اذان در فواصل بیات ترک و مشخصا در آمد اول خوانده شده است، علاوه بر این، سیدحسین طاهرزاده خواننده مشهور مکتب اسفهان که



آعارف قزوینی



حسین طاهر زاده



رحیم‌موزن زاده



سلیم‌موزن زاده

موسیقی

گفت‌وگوبانادر مشاخی در باره پتانسیل‌های اجتماعی و موسیقایی موجوددر عاشورا

مرثیه، معدن جواهرات هنری است

| رضا نامجو «مرثیه‌ای چون عاشورا یک جریان نهادینه در فرهنگ ایران است، چنین واقعه‌ای در فرهنگ ما به‌عنوان یک نقطه عطف حضور دارد. مرثیه عاشورا از جهات روانی، شخصی و اجتماعی در بین ما نوعی وحدت را ایجاد کرده است.» جملات بالا بخشی از نظرات استاد نادر مشاخی درباره عاشورا را بازگو می‌کند. این رهبر ارکستر معتقد است مراسم همچون زنجیرزنی علاوه بر بار موسیقایی که دارند نشان‌دهنده مفاهیم ژرف عاشورایی چون وحدت هستند. به نظر مشاخی دیدگاهی که ما ایرانی‌ها نسبت به یک موقعیت دراماتیک داریم، به سمت حماسه سوق پیدا کرده است. این در حالی است که غیر از حماسه ده‌ها مفهوم دیگر هم هست که باید به آنها بپردازیم. شرح گفت‌وگوی «شهروند» با این هنرمند در ادامه مطلب آمده است:

● ● ●
● شما از جمله کسانی هستید که درباره مرثیه سخن‌های بسیاری گفته‌اید. من می‌خواهم در ابتدای این گفت‌وگو شما را در مقابل اظهار نظری قرار دهم که پیش از این در گفت‌وگویی که درباره موسیقی صلح با شما انجام دادم، مطرح کردید. شما از یک طرف معتقد به موسیقی مرثیه هستید و از سوی دیگری می‌گویید چسباندن مفاهیمی چون جنگ و صلح به وازای به نام موسیقی یک خیانت یا کلاهبرداری به حساب می‌آید. چگونه این دو مقوله را با یکدیگر جمع می‌کنید؟

اگر به تاریخ موسیقی نگاه کنید خواهید دید، ساختن مرثیه یکی از تکالیف موسیقی بوده و هست. موسیقی باید به‌عنوان یک ابزار استفاده شود تا مفاهیمی را که نمی‌شود از طریق زبان و متن انتقال داد، منتقل کنیم. اگر به مرثیه‌های ساخته شده در دوران «باروک» نگاه کنید، خواهید دید آنها در صدد تفسیر متن یا موسیقی هستند. تفسیر موسیقی از طریق ابزاری به‌نام «فیگورشناسی» انجام می‌گرفت. در موسیقی فیگورهایی درست شده بود که دارای معانی زبانی بودند. همه می‌دانستند وقتی یک موزیسین از فیگور ترس استفاده می‌کند چه مقصودی دارد. فیگور غم، فیگور مصلوب و… فیگورهایی بودند که موسیقی را به نوعی زبان تبدیل کردند.

● از منظر تاریخ نگاری موسیقی، کاربرد این فیگورشناسی در چه قرن‌ی بیشتر شد و آیا نمونه نام‌آشنایی سراغ دارید که در آن از این فیگورشناسی استفاده شده باشد؟
این کار از قرن ۱۶ به تعالی می‌رسد اما از اوایل

قرن ۱۷ با کارهای «کلودیو مونتوردی» به استحکام می‌رسد. شاکله‌ای که در کارهای «مونتوردی» ارایه شد تا ۲۰۰سال بعد هم رونق دارد. تا آن‌جا که موتزارت در «کونین مرگ» از این فیگورها استفاده کرد. ۴۰۰ فیگور وجود دارد که هر کدام معنای خود را دارند. وقتی موسیقی از چنین ابزاری استفاده می‌کند معنای دیگری پیدا می‌کند. این‌ها دیدگاه‌ها «پروپاگاندا» موسیقایی متفاوت است. تعدادی از موزیسین‌های ایرانی با ارایه برخی کارها مخاطب را تهییج می‌کنند تا کارشان شنیده شود من با این نوع از موسیقی مخالفم و آن را تقلب می‌دانم و توضیحم در آن مصاحبه معطوف به چنین رفتاری بود.

● اما اگر بنا باشد یک سئوتیت سمفونی برای جنگ هم ساخته شود از فیگورهایی که نامشان در بالا آمد استفاده می‌کند. تفکیکی که شما ارایه می‌دهید به چه معناست؟

فرق مرثیه با کارهایی که عده‌ای درباره جنگ یا صلح ساخته‌اند این است که فیگوره‌ای به کار رفته در مرثیه برای همه مخاطبانش قابل درک است. ما در دوره «باروک» با فیگورها مواجهیم. در آن دوره وقتی مردم به کلیسا می‌رفتند دفترچه‌هایی در اختیارشان قرار می‌گرفت که درونش درباره فیگورها توضیح داده شده بود. مردمی که به آن اجراها می‌رفتند از نجبا بودند. مردمی که برای دیدن اجرای مرثیه باخ به کلیسا می‌رفتند از نجبای آن دوره بودند و همگی غیر از ریاضیات، نجوم و… موسیقی هم می‌خواندند. همه موسیقی را می‌شناختند، سزای می‌زدند و نت خوانی می‌کردند. در آن دوره تمام فیگورها را به شکل نت می‌نوشتند. وقتی شما این دفترچه را می‌خوانید با اختلاطی بین متنی که ارایه شده و موسیقی که به‌عنوان تفسیری از متن اجرا می‌شود مواجهید. شما در عین حال سه تفسیر مختلف را در این مرثیه‌ها می‌شنوید.



مرثیه عاشورا به لحاظ فرهنگی برای ما پتانسیل شدیدی دارد. به لحاظ

نگاه تاریخی در نواهای عاشورایی در گفت‌وگو با «هوشنگ جاوید»

امروز موسیقی مذهبی نداریم؛ سوگ ترانه داریم



نظرمرثیه اگر بخواهیم پیشینه خود را نظاره کنیم مرثیه‌های حماسی در چه یکی داریم اما درنوعوض اینگونه است که می‌بینیم. می‌خواهید ۶۰مورزاد آنها را نام ببرم؟ «توایم مذهبیم»، مرثیه «شردخان» (لرستان)، مرثیه «سترخان وزیری» (کردستان)، مرثیه «کلاتران کوهمره و نهودان و جروق»، مرثیه «ناصر خان قشقایی»، مرثیه «عزیز بگ» (لرستان)، مرثیه «نائب حسین کاشی» (کاشان) و… تنها تعدادی از این مرثیه‌ها هستند.

کسی که می‌خواست نوحه بخواند باید موسیقی شناس می‌بود و ترکیب‌ها را می‌شناخت. رساله‌ای داریم با نام «ادب آوازهای گلدسته» که امروز در «کتابخانه ملک» دارد خساک می‌خورد. بخشی از این رساله مختص معرفی گوشه‌هایی است که نوحه‌گران می‌توانند از آنها برای خواندن مرثیه و نوحه استفاده کنند. در آن کتاب برای هر مصرع از ۱۲ بند محشتم کاشانی (باز این چه شورش است…) دستور آوازی نوشته شده است. چرا این قدر اصرار داریم بگوییم موسیقی مذهبی همانی است که امروز می‌شنویم.

● بهر حال طی این سال‌ها کارهایی تحت عنوان موسیقی عاشورایی و موسیقی مذهبی ارایه شده است. ادعای شما مبنی بر فقدان جدی موسیقی مذهبی در ایران به چه معناست؟

آنچه امروز به‌عنوان موسیقی مذهبی تولید می‌شود موسیقی مذهبی نیست. چیزی در حد «سوگ ترانه» است. ما نمی‌توانیم به این موسیقی‌ها لفظ موسیقی مذهبی را اطلاق کنیم. البته به آن علت که شاخه‌های مختلف موسیقی، از نظر اجتماع شناخته شده نیست، مردم ساده‌پذیر شده‌اند و گمان می‌کنند در حال حاضر توسط موسیقی‌های مذهبی



موسیقایی روی این پتانسیل، کارهای فراوانی می‌توان انجام داد. به اعتقاد من هرچه بیشتر باید به سمت منشأ اجتماعی و مردمی که در عملکرد مرثیه مستتر است برویم. این حوزه در ست مثل گنجینه‌ای است که هنوز درهایش باز نشده و امکاناتش توسط آهنگسازها مورد ارزیابی قرار نگرفته. به نظر من مرثیه معدن جواهرات هنری است. خود من هم به شدت علاقمند هستم به سراغ مرثیه عاشورا بروم. مدت‌هاست در حال جمع‌آوری منابع مختلفی هستم که با عاشورا در ارتباط است. به نظر من عاشورا یکی از مهم‌ترین نقاط عطف فرهنگ ماست.

● مرثیه به غیر از وحدت دارای چه عناصری است که باعث می‌شود شما آن را به گنجینه‌ای از جواهرات تشبیه کنید؟

یکی از مهم‌ترین داشته‌های مرثیه، تعزیه است. به نظر من تعزیه یکی از پست مدرن‌ترین کارهایی است که هم‌اکنون در قالب آیین‌های عاشورایی اجرا می‌شود. وقتی بفرنگ کاسه‌ای آب می‌آورد و می‌گوید این دلچه است، دارد با فرآیندی به نام کاهش کار

زادیه